

بوم زدایی در حقوق بین الملل

علی مشهدی

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

"بوم زدایی" یا "اکو ساید"^۱، مفهومی است که نه به صورت رسمی در اسناد بین المللی بلکه در ادبیات حقوق محیط زیست رواج پیدا نموده است. این مفهوم را در قیاس با مفهوم "نسل زدایی" در این حوزه مطرح گردید. همانگونه که در نسل زدایی صحبت از نابودی عمدی و گسترده گروههای انسانی می گردد در بوم زدایی محور اصلی نابودی شدید و گسترده محیط زیست است.

این مفهوم ابتدا در ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیونهای چهار گانه ژنو مطرح گردید. بر اساس این ماده "استفاده از روشها و وسایل جنگی با قصد ایراد خسارات گسترده، بلند مدت و شدید به محیط زیست طبیعی یا انتظار چنین خساراتی ممنوع است."

تدوین کنندگان پروتکل اول الحاقی موضوع حفاظت از محیط زیست را به صورت جدی و در قالب قواعد ناظر بر حمایت از اموال غیر نظامی و نیز استفاده از تاکتیکهایی جنگی مورد توجه قرار داده اند؛ برای نمونه در بند ۳ ماده ۳۵ مشخصاً در مورد ممنوعیت به کارگیری شیوهها و وسایل جنگی است که منجر به خسارات شدید گسترده و درازمدت به محیط زیست طبیعی می شود. به موجب این بند «به کار بردن روشها و ابزارهای جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و دراز مدت به محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال می رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است». همانگونه که ملاحظه می شود نه تنها موضوع بند ۳ ناظر بر قطعیت آسیب است، بلکه در مورد وضعیتهایی که احتمال وقوع خسارت شدید و گسترده و درازمدت تر محیط زیست می رسد نیز ناظر خواهد بود.

بنابراین شاخص ترین سند حقوق بشردوستانه بین المللی که به موضوع بوم زدایی پرداخته است را باید پروتکل اول الحاقی یافت. زمینه های اولیه تصویب این پروتکل به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم بر می گردد. سالهایی که در اثرگذار از جنگهای جهانی، شاهد برخی از مخاصماتی هستیم که در آنها جمعیت های غیر نظامی آسیب های جدی دیده اند.

^۱ . Ecocide

علاوه بر آن با پیشرفت علوم نظامی، سلاح‌ها و روش‌های مورد استفاده در جنگ‌ها، پیشرفت نموده به گونه‌ای که محیط زیست از طریق جنگ‌افزارها در معرض تخریب قرار می‌گیرد. با این ملاحظه تدوین‌کنندگان پروتکل اول الحاقی موضوع حفاظت از محیط زیست را به صورت جدی و در قالب قواعد ناظر بر حمایت از اموال غیر نظامی و نیز استفاده از تاکتیک‌هایی جنگی مورد توجه قرار داده‌اند؛ برای نمونه در بند ۳ ماده ۳۵ مشخصاً در مورد ممنوعیت به کارگیری شیوه‌ها و وسایل جنگی است که منجر به خسارات شدید گسترده و درازمدت به محیط زیست طبیعی می‌شود. به موجب این بند «به کار بردن روش‌ها و ابزارهای جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارت شدید، گسترده و درازمدت به محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته‌باشد، ممنوع است». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نه تنها موضوع بند ۳ ناظر بر قطعیت آسیب است، بلکه در مورد وضعیت‌هایی که احتمال وقوع خسارت شدید و گسترده و درازمدت‌تر محیط زیست می‌رسد نیز ناظر خواهد بود. امری که بعداً در حقوق بین‌الملل محیط زیست، در قالب اصل اقدامات احتیاطی شناسایی گردید.

بند ۲ ماده ۵۴ در این خصوص مقرر داشته است «حمله، تخریب، انتقال و غیره قابل استفاده نمودن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است، نظیر مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی و دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و کارگاه‌های آب‌رسانی به خصوص به این منظور که ارزش آنها برای تغذیه جمعیت غیر نظامی یا طرف مخالف، سلب شود، با هر انگیزه‌ای که باشد خواه به جهت اینکه غیرنظامیان از گرسنگی از پا درآیند، مجبور به نقل مکان شوند یا هر انگیزه دیگر ممنوع است». با دقت در ماده ۵۴ می‌توان ابعاد زیست‌محیطی برخی از اموال جمعیت غیر نظامی را مشخص نمود. از جمله :

- حق دسترسی به غذا

- مواد غذایی و محصولات کشاورزی و نیز اراضی کشاورزی

- تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی (حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم)

همچنین در بند چهارم این ماده مقرر گردید است که اموال غیر نظامی نباید هدف اقدامات تلافی‌جویانه طرفین قرار گیرند.

ماده ۵۵ ناظر بر حمایت از محیط زیست طبیعی در هنگام درگیری است. این بحث در فصل سوم پروتکل ناظر بر حمایت از اموال غیر نظامی گنجانده شده است. بنابراین در این ماده سعی شده است از محیط زیست در قالب حمایت از اموال غیر نظامی محافظت گردد. در حالی که تمرکز ماده ۳۵ در روش‌ها و ابزارهای جنگ بود. البته در

بند ۱ ماده ۵۵ حفاظت از محیط زیست طبیعی شامل ممنوعیت استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی نیز شد است. به موجب بند ۱ این ماده «در هنگام مخاصمه باید مراقبت گردد تا از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، طولانی و شدید، حفاظت به عمل آید.

این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین خسارتی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا نقایص حکم لطمه بزند». این ماده به صورت جامع و کامل ابعاد مختلف مسئله محیط زیست را در مخاصمه مورد توجه قرار داده است. از جمله:

- هدایت عملیات نظامی باید مراقبت کافی برای درآمان ماندن محیط زیست عمل آید. (راجرز، ۱۳۸۷، ۸۸)
 - ممنوعیت وارد آوردن خسارات گسترده درازمدت و شدید به محیط زیست در خلال مخاصمه
 - ممنوعیت استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی برای وارد آوردن خسارت به محیط زیست طبیعی
 - ممنوعیت بار آوردن خسارات احتمالی گسترده، شدید و طولانی مدت
 - ممنوعیت به خطر انداختن سلامت و حیات جمعیت غیرنظامی از طریق آسیب شدید به محیط زیست
- در نهایت نظیر ماده ۳۵ در بند دوم این ماده پیش‌بینی شده است که نمی‌توان از حمله به محیط زیست به عنوان اقدامات تلافی‌جویانه استفاده نمود.

موضوع ماده ۵۶ ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک است. مبنای این ممنوعیت نیز امکان ورود آسیب جدی به سکنه غیر نظامی است. برخی از تأسیسات نظیر نیروگاه‌ها، سد‌ها، آب‌بندها و نظایر آن حاوی نیروهای خطرناکی هستند که حمله به آنها در خلال مخاصمات مسلحانه می‌تواند آسیب‌های جدی و طولانی مدت در محیط زیست انسانی و طبیعی بر جای بگذارد. علاوه بر آن حمله به این تأسیسات می‌تواند آثار و خسارات درگیری را به اشخاص، اموال و گروه‌های غیر نظامی تسری دهد.

بدیهی است تخریب یک سد یا آب‌بند می‌تواند منجر به ورود خسارات گسترده به محیط زیست منطقه و اموال و اشخاص واقع در قلمرو آن گردد. بر این اساس و به موجب ماده ۵۶ «اماکن و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، مانند سد‌ها، آب‌بندها، نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، حتی اگر اهداف نظامی باشند، در صورتی که امکان داشته‌باشد که حمله به آنها موجب ره‌اشدن نیروهای خطرناک و به دنبال آن صدمات شدید بر غیرنظامیان شود، نباید هدف حمله قرار گیرند. سایر اهداف نظامی که در کارگاه‌ها یا تأسیسات یا در مجاورت

آنها واقع شده است، در صورتی که حمله به آنها موجب رهاشدن نیروهای خطرناک از این کارگاه‌ها و تأسیسات و به دنبال آن صدمات شدید برای سکنه غیرنظامی شود، نباید هدف حمله قرار گیرند».

تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک را در صورتی می‌توان مورد حمله قرار داد که واجد شرایط اهداف نظامی باشند. (هنکرتز، ۱۳۸۷، ۲۴۰) با این حال به نظر می‌رسد به دلیل خسارات شدیدی که می‌تواند حمله به تأسیساتی حاوی نیروهای خطرناک در محیط زیست طبیعی و انسانی بر جای گذارد و منجر به ورود خسارات به غیر نظامیان گردد، بنابراین با علم کشورها به چنین وضعیتی، اقدام به چنین امری می‌تواند نقض فاحش پروتکل الحاقی تلقی گردد. (هنکرتز، ۱۳۸۷، ۲۴۲)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این امر تنها ناظر به اهداف غیر نظامی نبوده بلکه قلمرو ممنوعیت را به اهداف نظامی نیز تسری می‌دهد. البته این ممنوعیت مطلق نبوده و در موارد استثنایی که بیان شده است، امکان حمله وجود خواهد داشت. از قبیل:

۱- در مورد سد یا آب بندی که برای مصارفی غیر از کارکرد عادی آن و در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، در صورتی که نیروگاه مزبور نیروی برق را تنها در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی تولید نماید.

۳- در مورد سایر هدف‌های نظامی واقع در این قبیل تأسیسات و اماکن یا در مجاورت آنها، فقط در صورتی که از آنها برای پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی استفاده شود.

۴- در صورتی که حمله به این تأسیسات تنها راه عملی پایان دادن به این قبیل پشتیبانی باشد.

در ماده ۵۷ نیز بر ضرورت اتخاذ رویکرد احتیاطی در هدایت عملیات نظامی اشاره می‌نماید تا آسیب و خسارت کمتری به اشخاص اموال غیر نظامی وارد گردد. بنابراین براساس این ماده می‌توان این‌گونه گفت که رویکرد احتیاطی می‌تواند منجر به ورود آسیب کمتر به محیط زیست مرتبط با اشخاص و اموال غیر نظامی گردد. همچنین با ملاحظه بند ۲(ب) این ماده باید گفت که هر گونه آسیب زیست‌محیطی باید با هدف نظامی به دست آمده متناسب باشد. (راجرز مالرب، ۱۳۸۷، ۵۸)

پروتکل دوم الحاقی حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است. برخلاف پروتکل اول، این پروتکل مقررات ناچیز و اندکی را حفاظت از محیط زیست اختصاص داده است.

برای مثال قاعده مندرج در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول در پروتکل الحاقی دوم ملاحظه نمی‌شود. البته مفاد این قاعده توسط کمیته سوم کنفرانس دیپلماتیک در سال ۱۹۷۴ پذیرفته شد، ولی در نهایت در سال ۱۹۷۷ رد گردید. البته دلیل این تغییر عقیده روشن نبوده ولی می‌تواند در پیوند با فرآیند ساده‌سازی در آخرین مرحله مذاکرات به منظور تضمین تصویب پروتکل الحاقی در آن باشد. (هنکرتز، ۱۳۸۷، ۲۶۲)

امروزه با توجه به اهمیت یافتن این دسته از مخاصمات، حفاظت و حمایت از محیط زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز اهمیت دو چندانی یافته است. هرچند در مورد ارزش و اعتبار مفاد پروتکل دوم الحاقی نسبت به پروتکل اول اجماع چندانی وجود ندارد و از لحاظ عرفی بودن قواعد مطروحه در آن بحث‌های فراوانی وجود دارد با این حال به دلیل گسترش و ماهیت و ویژگی‌های این قبیل درگیری‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار گرفته است.

پروتکل دوم الحاقی نیز در مواد متعددی به صورت غیرمستقیم موضوع حمایت از محیط زیست را مورد توجه قرار داده است از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک (ماده ۱۵)

۲- ممنوعیت به خطر انداختن شرایط زیستی جمعیت غیر نظامی مانند مواد غذایی،

۳- حیوانات اهلی و تأسیسات آب آشامیدنی سالم (ماده ۱۴)

۴- حمایت از میراث معنوی و فرهنگی مردم (ماده ۱۶)

در نهایت باید به کنوانسیون ۱۹۷۶ سازمان ملل متحد در مورد ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییردهنده محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، اشاره نمود. انمود تنها کنوانسیون خاص زیست‌محیطی است که موضوع محوری آن ناظر بر «ممنوعیت استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح» است. با پیشرفت علوم نظامی در خلال و پس از جنگ جهانی دوم همچنین در حال حاضر بسیاری از کارشناسان دفاعی و نظامی دریافته‌اند که می‌توان از عناصر محیط زیست، در خلال جنگ به عنوان سلاح استفاده نمود. برخی از این عناصر مانند آب و خاک و هوا در صورت تغییر عمده می‌توانند آثار بسیار خطرناکی از خود بر جای گذارند.

زمینه‌های اولیه تدوین چنین کنوانسیونی نیز به استفاده ارتش آمریکا از «عامل نارنجی» در خلال جنگ ویتنام بر می‌گردد. امروزه و در آینده می‌توان با پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در علوم مختلف فنی و نظامی حاصل می‌شود، در فرایندهای طبیعی جهت دستیابی به اهداف خاص تعمداً دست‌کاری نمود.

تمایز اساسی میان معیارهای کنوانسیون انمود با ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول در زمینه تعریف خسارات گسترده، شدید و طولانی مدت وجود دارد. با وجود آنکه در پروتکل الحاقی اول معیار دقیق و مشخصی برای موارد مذکور ذکر نشده است با این حال کنوانسیون انمود در بردارنده معیار دقیق تری است. در کنفرانس دوم بازنگری طرف‌های عضو کنوانسیون انمود عبارت طولانی مدت به مدت چند ماه یا تقریباً یک فصل تعبیر شده است. (هنکرتز، ۱۳۸۷، ۲۶۴) در آینده نیز به نظر می‌رسد یی از چالشهای اساسی حقوق بشر دوستانه و محیط زیست، استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح باشد

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی در رسانه‌های عمومی در مورد «پروژه هارپ» که منجر به دست‌کاری مغناطیس زمین می‌شود در خصوص استفاده آمریکا از این سلاح، منتشر شده است. ایجاد زلزله، سونامی، سیل، دست‌کاری در گونه‌های زیستی، جریان‌های دریایی، تغییر در الگوهای آب‌وهوایی در سطح کلان می‌تواند از مصادیق این قبیل اقدامات به‌شمار رود.

اقداماتی که می‌توان آنها را در قالب «سلاح‌های مدرن زیستی» قرارداد. برخی از کارشناسان استفاده از محیط زیست به عنوان سلاح را تحت عنوان «جنگ‌افزار ژئوفیزیکی» لقب داده‌اند. (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳، ۳۸) واضح است که استفاده جزئی و کلان از محیط زیست به عنوان سلاح، می‌تواند منجر به ایجاد خسارات گسترده در محیط زیست انسانی و طبیعی شود.

با این ملاحظه کنوانسیون انمود در سال ۱۹۷۶ باتلاش سازمان ملل متحد به تصویب رسید. براساس ماده ۱ این کنوانسیون دولت‌ها متعهد گردیدند که از آن دسته از تکنیک‌های تغییردهنده محیط زیست که منجر به ایجاد آثار گسترده، طولانی مدت یا شدید گردیده و منجر به آسیب و خسارت به هر یک از دول عضو گردد، اجتناب ورزند.

تضمین بوم‌زدایی در حقوق بین‌الملل را نیز باید در جرم‌انگاری تخریب محیط زیست در اساسنامه دیوان جستجو کرد که دچار افت و خیز فراوانی بود. (برای ملاحظه و مقایسه مسائل مربوط به پیش‌نویس و متن اساسنامه در این زمینه ر.ک: عبدالهی، ۱۳۸۱) در بخشی از ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تخریب شدید، گسترده و بلند مدت محیط زیست را ممنوع اعلام شده است. علاوه بر صراحت این ماده، تخریب و وارد آوردن خسارت به محیط زیست، می‌تواند تنها رکن مادی جنایات بین‌المللی مطروحه در اساسنامه دیوان باشد.

برای مثال جنایت جنگی می‌تواند در موارد ذیل ارتباط مستقیم با تخریب شدید و گسترده محیط زیست و سایر خسارات زیست محیطی برقرار نماید.

۱- حملات عمدی به سوی اهداف غیر نظامی یا اهدافی که دارای کاربرد نظامی نیستند (ماده ۸ بند ب (۲) این قبیل اقدامات می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست واقع در اهداف غیر نظامی گردد. برای مثال می‌توان به آسیب شدید مزارع کشاورزی، جنگل‌ها، منابع آبی و سایر عناصر زیست محیطی واقع در مناطق غیر نظامی اشاره نمود.

۲- تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده، که به صورت غیر قانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود. (ماده ۸ بند الف (۴) بخشی از تخریب و تصرف اموال که خارج از ضرورت نظامی صورت پذیرفته است نیز می‌تواند منجر به تخریب و آسیب به محیط زیست گردد. به عبارت دیگر باید گفت که تخریب عناصر محیط زیست می‌تواند از مصادیق این امر باشد.

۳- وارد آوردن تلفات و صدمات به افراد غیر نظامی یا تهدید اهداف غیر نظامی (ماده ۸ بند ب (۴))

۴- استفاده از سلاح‌های سمی (ماده ۸ بند ب (۱۷)): هم‌چنان‌که در بحث سلاح‌های سمی به تفصیل به آن اشاره خواهیم نمود، کاربرد چنین سلاح‌هایی در مخاصمات مسلحانه می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست انسانی و طبیعی گردد.

۵- غارت یک شهر یا مکان خاص، اگر چه بر اثر حمله به اشغال در آمده باشد. (ماده ۸ بند ب (۱۶)): بدیهی است غارت می‌تواند معنای زیست محیطی نیز به خود بگیرد، به ویژه هنگامی که عمل غارت نسبت به منابع طبیعی و سایر عناصر زیست محیطی صورت پذیرد. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اقدامات مسلحانه در قلمرو کنگو در سال ۲۰۰۵ به این بحث پرداخته است. کنگو مدعی بود که اوگاندا به عنوان دولت اشغالگر تعهداتش را بر اساس حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی مبنی بر «مانعت از چپاول، غارت و سوءاستفاده از منابع طبیعی کنگو عمل ننموده، و در نتیجه مرتکب نقض تعهد به مراقبه کافی بر اساس حقوق بین الملل گردیده است» (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳، ۷۸)

۶- تحمیل گرسنگی اجباری بر غیرنظامیان به عنوان حربه نظامی، از طریق محروم ساختن این افراد از لوازم حیاتی که برای بقای آنها ضروری است. همچنین ایجاد موانع عمدی در ارسال محموله‌های حیاتی که در کنوانسیون‌های ژنو ضروری نامیده شده اند. (ماده ۸ بند ب (۲۵)): همچنانکه قبلاً نیز بحث کردیم بر اساس بند ۲ ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو حمله، تخریب، انتقال و غیره قابل استفاده نمودن

اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است، نظیر مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی و دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و کارگاه‌های آب‌رسانی به خصوص به این منظور که ارزش آنها برای تغذیه جمعیت غیرنظامی یا طرف مخالف، سلب شود، با هر انگیزه‌ای که باشد خواه به جهت اینکه غیرنظامیان از گرسنگی از پا درآیند، مجبور به نقل مکان شوند یا هر انگیزه دیگر ممنوع است». همچنان که ملاحظه می‌شود بخش عمده‌ای از مصادیق لوازم حیاتی برای بقای جمعیت غیرنظامی شامل عناصر پایه محیط زیست مانند آب، هوا و غذای سالم می‌گردد.

قضیه دعوای یوگسلاوی علیه اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، یوگسلاوی مدعی بود که اعضای ناتو با شرکت در عملیات بمباران، خسارات زیست محیطی گسترده‌ای را بر اموال و اشخاص این سرزمین وارد نموده‌اند.

رأی دیوان در قضیه اقدامات مسلحانه در قلمرو کنگو (۲۰۰۵) از شاخص‌ترین آراء دیوان به‌شمار می‌رود که مشخصاً موضوع سوءاستفاده از منابع طبیعی و لزوم جبران خسارات وارده بر این منابع در خلال مخاصمات مسلحانه را مورد تأیید قرار داده است. این قضیه مربوط به دعوای جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا است. کنگو مدعی بود که اوگاندا به عنوان دولت اشغالگر در منطقه ایتوری تعهداتش را بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی مبنی بر «ممانعت از چپاول، غارت و سوءاستفاده از منابع طبیعی کنگو عمل ننموده، و در نتیجه مرتکب نقض تعهد به مراقبه کافی بر اساس حقوق بین‌الملل گردیده است». (حسینی آزاد و محمدی، ۱۳۹۳، ۷۸) دیوان در این قضیه اوگاندا را نسبت به خسارات وارده مسئول شناخت و اوگاندا را ملزم به جبران خسارات وارده در محیط زیست و منابع طبیعی کنگو نمود.

منابع

- ۱ - حسینی آزاد، سید علی و مهرداد محمدی، **حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل**، انتشارات پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چ اول، ۱۳۹۲.
- ۲ - راجرز، آنتونی، پل مالرب، **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
- ۳ - زمانی، سید قاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، «**نشریه حقوقی شهر دانش**»، ش ۱، تابستان ۸۱.

- ۵- Berat, L. (۱۹۹۳). Defending the Right to a Healthy Environment: Toward a Crime of Geocide in International Law. *BU Int'l LJ*, ۱۱, ۳۲۷.
- ۶- Bertrand, A. (۲۰۱۵). Génocide, ethnocide, écocide: parcours dans les textes juridiques internationaux.
- ۷- Broschimmer, F. J. (۲۰۰۳). Écocide. *Une brève histoire de l'extinction en masse des espèces*, Paris, Éditions Parangon.
- ۸- Cabanes, V. (۲۰۱۶). *Un nouveau droit pour la Terre: Pour en finir avec l'écocide*. Seuil.
- ۹- Falk, R. A. (۱۹۷۳). Environmental Warfare and Ecocide—Facts, Appraisal, and Proposals. *Security Dialogue*, ۴(۱), ۸۰-۹۶.
- ۱۰- Falk, R. A. (۱۹۸۴). Proposed convention on the crime of ecocide. *Environmental Warfare: a Technical, Policy and Legal Appraisal*. London: Taylor & Francis, ۱۰۷, ۴۵-۴۹.
- ۱۱- Gauger, A., Rabatel-Fernel, M. P., Kulbicki, L., Short, D., & Higgins, P. (۲۰۱۲). Ecocide is the Missing ۵th Crime against Peace.
- ۱۲- Gray, M. A. (۱۹۹۵). International Crime of Ecocide, The. *Cal. W. Int'l LJ*, ۲۶, ۲۱۵.
- ۱۳- Hellman, J. (۲۰۱۴). The Fifth Crime Under International Criminal Law: Ecocide?. In *Regulating Corporate Criminal Liability* (pp. ۲۷۳-۲۸۰). Springer International Publishing.
- ۱۴- Higgins, P. (۲۰۱۰). *Eradicating ecocide: Exposing the corporate and political practices destroying the planet and proposing the laws needed to eradicate ecocide*. Shephard-Walwyn.
- ۱۵- Higgins, P., Short, D., & South, N. (۲۰۱۳). Protecting the planet: A proposal for a law of ecocide. *Crime, Law and Social Change*, ۵۹(۳), ۲۵۱-۲۶۶.
- ۱۶- Jowitz, J. (۲۰۱۰). British Campaigner Urges UN to Accept, 'Ecocide' as International Crime. *The Guardian*, ۹(۴).
- ۱۷- Jowitz, J. (۹). April ۲۰۱۰. 'British Campaigner Urges UN to Accept "Ecocide" as International Crime'.
- ۱۸- Meheta, S., & Merz, P. (۲۰۱۵). Ecocide-A New Crime against Peace. *Envtl. L. Rev.*, ۱۷, ۳.
- ۱۹- Neyret, L. (۲۰۱۴). Pour la reconnaissance du crime d'écocide. *Revue juridique de l'environnement*, ۳۹(HS۰۱), ۱۷۷-۱۹۳.
- ۲۰- Neyret, L. (۲۰۱۴). Pour la reconnaissance du crime d'écocide. *Revue juridique de l'environnement*, ۳۹(HS۰۱), ۱۷۷-۱۹۳.
- ۲۱- Orellana, Marcos A. "Criminal punishment for environmental damage: individual and state responsibility at a crossroad." *Geo. Int'l Env'tl. L. Rev.* ۱۷ (۲۰۰۴): ۶۷۳.
- ۲۲- Richter, E., Blum, R., Castleman, B., Frank, A., Stanton, G. H., Israel, J., & Park, G. (۲۰۰۷). Ecocide: A Crime Against Humanity?. *Jerusalem, Israel, Hebrew University-Hadassah School of Public Health and Community Medicine*.

- ٢٣- Roche, Y., & De Koninck, R. (٢٠٠٢). Les enjeux de la déforestation au Vietnam. *VertigO-la revue électronique en sciences de l'environnement*, ٢(١).
- ٢٤- Tignino, M. (٢٠١٦). Les victimes en droit international humanitaire: les atteintes aux ressources naturelles.